

اعتکاف

اعتکاف، یکی از اعمال عبادی مستحب در اسلام که بر اثر نذر، یمین، عهد و امثال آن واجب می‌شود و زمان مخصوصی برای آن معین نشده است...



اعتکاف، یکی از اعمال عبادی مستحب در اسلام که بر اثر نذر، یمین، عهد و امثال آن واجب می‌شود و زمان مخصوصی برای آن معین نشده است.

اعتکاف از ماده «عکف» در لغت به معنای اقبال و روی آوردن به چیزی و ملازمت آن بر سبیل تعظیم است (راغب، 355) که در قرآن مجید بارها در این مفهوم به کار رفته است (نک: بقره/125؛ اعراف/138؛ طه/97؛ شعراء/71). همچنین از همین ماده در قرآن، «عاکف» به معنای ساکن و مقیم (حج/25) و نیز «معکوف» در مفهوم ممنوع و بازداشت شده (فتح/25/48) کاربرد یافته است.

اعتکاف در شرع، التزام به توقف و درنگ در مسجد به قصد قربت است (راغب، همانجا) و تعریف جامع آن اقامت کردن برای حداقل 3 روز در مسجد به قصد تعبد با مراعات شرایط لازم است. در اصطلاح سالکان و متصوفه، فارغ و تهی ساختن دل از اشتغالات دنیوی و تسلیم کردن نفس به مولی است و گفته شده است که اعتکاف و عکوف اقامت گزیدن است و معنای آن این است که تا مرا نیامرزی، از درگاه تو - ای خداوند - دور نمی‌شوم (جرجانی، 25).

با اینکه مسلمانان روش اعتکاف را از سنت پیامبر (ص) فراگرفتند (مالک، 314/1)، در ادیان پیش از اسلام و از جمله در میان عرب آیینی نزدیک به اعتکاف وجود داشته است؛ از جمله می‌توان به روایتی با این مضمون اشاره کرد که عمر به حضرت رسول (ص) گفت: در دوران جاهلیت نذر کرده بودم شبی را در مسجد الحرام اعتکاف کنم، و حضرت فرمود تا به نذر خود وفا کند (بخاری، 105/3، 110؛ ابن ماجه، 563/1).

از اینکه پیامبر اکرم (ص) پیش از هجرت در مسجد الحرام اعتکاف کرده باشد، اطلاعی در دست نیست، ولی در مدینه نخست در دهه اول ماه رمضان، سال بعد در دهه دوم، و پس از آن در دهه سوم در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت چادری در مسجد برپا می‌شد (کلینی، 175/4). از همین رو، بهترین زمان برای اعتکاف، ماه رمضان، خاصه دهه سوم آن، دانسته شده، و مستحب مؤکد شمرده شده است (مثلاً نک: شهید ثانی، 149/2؛ جزیری، 582/1)، گرچه در دیگر اوقات نیز مستحب است. در میان شیعیان سنت اعتکاف به ویژه در روزهای 13، 14 و 15 رجب همچنان رواج دارد.

در شرایط اعتکاف، همچون دیگر عبادات، نخست از اسلام، تکلیف و نیت سخن به میان می‌آید. افزون بر آن نزد برخی از مذاهب چون امامیه و مالکیه روزه داشتن بر شخص معتکف واجب است (مالک، 315/1؛ محقق، 215/1). قول مشهور در میان حنفیه نیز همان است که اعتکاف بدون روزه تحقق نمی‌یابد، اما برپایه قولی دیگر در اعتکاف مستحب، روزه شرط دانسته نمی‌شود (نک: سمرقندی، 372/2؛ الفتاوی ...، 211/1). شافعی و نیز احمد در روایت اشهر از او، اساساً در اعتکاف روزه را واجب نمی‌شمارند (نک: شافعی، 107/2؛ ابن هبیره، 170/1؛ نیز نک: مروزی، 75).

مدت اعتکاف نزد امامیه نباید از 3 روز کوتاه‌تر باشد و اگر اعتکاف مستحب باشد، معتکف می‌تواند آن را قطع کند، مگر در پایان روز دوم که واجب است آن را ادامه دهد (محقق، 216/1) و مراد از 3 روز از آغاز طلوع فجر روز اول تا غروب روز سوم است. به نظر مالک (314/1) و شافعی (105/2) معتکف باید پیش از غروب آفتاب در محل اعتکاف حاضر شود تا از آغاز شب در آنجا باشد. اصولاً نظر ائمه سنت و جماعت درباره مدت اعتکاف مختلف است و به نظر اکثر فقها حداقلی برای اعتکاف نیست (ابن رشد، 314/1).

در سخن از جایگاه اعتکاف در فقه اهل سنت، مشهور آن است که در هر مسجدی می‌توان اعتکاف کرد و تنها برخی از فقیهان چون احمد این امر را به مسجدی که در آن نماز جماعت برگزار می‌شود، اختصاص داده‌اند (مثلاً نک: همو، 313/1؛ ابن هبیره، همانجا)، اما در فقه امامیه آراء در این باره متفاوت است. در روایات بارها اعتکاف را خاص مسجد الحرام، مسجد النبی (ص) در مدینه، و دو مسجد کوفه و بصره شمرده‌اند، اما روایاتی نیز وجود دارد که در آنها اعتکاف در مسجد جامع یا مسجدی که امامی عادل در آن نماز جمعه یا جماعت خوانده باشد، روا شمرده شده است (کلینی، 176/4؛ قس: مفید، 363). در محافل فقهی امامیه، نزد فقیهان متقدم اختصاص جایگاه اعتکاف به مساجد چهارگانه غلبه داشته است و تنها برخی چون ابن بابویه مسجد مداین را نیز به 4 مسجد افزوده‌اند (نک: ص 18؛ نیز نک: سیدمرتضی، 72؛ طوسی، 272/2)، اما در سده‌های بعد این محدودیت تردید برانگیز شده است، چنانکه شهید اول و شهید ثانی (150/2) حصر صحت اعتکاف به مساجد اربعه را ضعیف شمرده‌اند و برخی اعتکاف در غیرمساجد اربعه را با قصد رجا و احتمال مطلوبیت به طور عام تجویز کرده‌اند (خمینی، 305/1).

در مدت اعتکاف، خروج از مسجد تنها در حد پرداختن به اموری خاص جایز است و مصالحی عام چون اقامه نماز جمعه، تشییع جنازه، اقامه شهادت و عیادت بیمار، یا نیازهای شخصی چون تهیه خوراک لازم و قضای حاجت از مصادیق این مستثنیات شمرده شده است. به هر تقدیر، در موارد مجاز هم معتکف نباید در جایی بنشیند و تا حدی که ممکن است نباید در سایه راه برود (کلینی، 178/4؛ ابن رشد، 317/1؛ محقق، 217/1).

در اعتکاف چند چیز از جمله مباشرت جنسی حتی در حد بوسیدن، استفاده از بوی خوش، خرید و فروش، مگر برای رفع حاجت و نیز مشاجره و جدال درباره امور دنیوی بر شخص معتکف حرام می‌شود و ارتکاب برخی از محرمات علاوه بر باطل کردن اعتکاف موجب كفاره نیز می‌گردد (ابن هبیره، 171/1؛ محقق، 220-219/1؛ جزیری، 585/1 - 587).

اعتکاف به عنوان یکی از مباحث مهم در فقه عبادات، گاه موضوع تألیفاتی مستقل نیز قرار گرفته است. در خلال آثار فقهی شخصیهایی متقدم چون شافعی و داوود اصفهانی تك نگاریهایی با عنوان كتاب الاعتكاف به چشم می‌خورد (نک: ابن ندیم، 264، 271). چنانکه از فقیهان کهن امامی نیز کسانی چون ابوالفضل صابونی و ابوجعفر ابن بابویه نوشته‌هایی با همین عنوان داشته‌اند (نک: نجاشی، 375، 389). در فقه میانه و متأخر امامیه نیز از تك نگاریهای موجود، می‌توان به اینها اشاره کرد: 1. الاعتكافية، از معین‌الدین سالم بن بدران بصري (زنده در 626ق) که یادکردهایی از آن در منابع دیده می‌شود (نک: آقابزرگ، 230/2)؛ 2. الاعتكافية یا ماءالحياة و صافی الفرات، از شیخ لطف‌الله میسی اصفهانی (د 1033ق) که به کوشش رسول جعفریان در مجلد اول از مجموعه میراث اسلامی ایران (ص 311-337) در 1373ش در قم به چاپ رسیده است؛ 3. الکفاف فی مسائل الاعتكاف، اثر مولی محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی (د 1263ق) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نهداری می‌شود (نک: آقابزرگ، 229/2؛ مدرسی، 338)؛ 4. الاعتكافية، از سیدمحمدعلی شهرستانی (د 1290ق)، که آقا بزرگ تهرانی از وجود نسخه‌هایی از آن در برخی مجموعه‌های شخصی گزارش داده است (229-230).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ ابن بابویه، محمد، «المقنع»، الجوامع الفقهية، قم، 1404ق؛ ابن رشد، محمد، بداية المجتهد، بیروت، 1406ق/1986م؛ ابن ماجه، محمد، سنن، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، 1952-1953م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابن هبیره، یحیی، الافصاح، به کوشش محمد راغب طباح، حلب، 1366ق/1947م؛ بخاری، محمد، صحیح، قاهره، اداره الطباعة المنیریة؛ جرجانی، علی، التعریفات، قاهره، 1357ق/1938م؛ جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعة، بیروت، 1406ق/1986م؛ خمینی، روح‌الله، تحریر الوسيلة، نجف، مطبعة الارداب؛ راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، به کوشش ندیم مرعشلی، قاهره، 1392ق؛ سمرقندی، علاءالدین، تحفة الفقهاء، بیروت، 1405ق/1985م؛ سیدمرتضی، علی، الانتصار، به کوشش محمدرضا خراسان، نجف، 1391ق/1971م؛ شافعی، محمد، الام، به کوشش محمد زهری نجار، بیروت، دارالمعرفة؛ شهید ثانی، زین‌الدین، الروضة البهیة، به کوشش محمد کلانتر، بیروت، 1403ق/1983م؛ طوسی، محمد، الخلاف، قم، 1407ق؛ الفتاوی الهندیة (الفتاوی العالمکیریة)، قاهره، 1323ق؛ قرآن کریم؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی‌اکبر غفاری، بیروت، 1401ق؛ مالک بن انس، الموطأ، به کوشش محمدفؤاد عبدالباقي، بیروت، 1406ق/1985م؛ محقق حلی، جعفر، شرائع الاسلام، به کوشش عبدالحسین محمدعلی، نجف، 1389ق/1969م؛ مدرسی طباطبایی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمدآصف فکرت، مشهد، 1368ش؛ مروزی، محمد، اختلاف العلماء، به کوشش صبحی سامرایی، بیروت، 1406ق/1986م؛ مفید، محمد، المقنعة، قم، 1410ق؛ نجاشی، احمد، رجال، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، 1407ق.

عبدالامير سليم

نویسنده: عبدالامير سليم